

## چهارچوبی تئوریک برای تبیین انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی با تأکید بر انقلاب اسلامی (براساس منظومه فکری امام خامنه‌ای مدخله العالی)

امیر سیاهپوش

استادیار گروه انقلاب اسلامی، دانشکده مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

Amirsiahpoosh370@yahoo.com

### چکیده

دیدگاه‌هایی که به تحلیل به طور کلی، انقلاب‌ها و به طور خاص انقلاب اسلامی پرداخته‌اند غالباً در چهارچوبی اولمانیستی پیش رفته‌اند یا اگر هم منظری بومی و دینی برگزیده‌اند به همه ابعاد آن توجه نداشته‌اند. دیدگاه امام خامنه‌ای هم مبتنی بر مبانی اسلامی است و هم تمام وجوه ممکن درخصوص پدیده انقلاب را پوشش می‌دهد. تدوین چنین دیدگاهی در چهارچوبی علمی و منسجم به شکلی قابل عرضه در عرصه‌های علمی هدف بنیادین این تحقیق است. برای رسیدن به این منظور چند سؤال اصلی مطرح شده است: چیستی، چرازی، چگونگی، نتایج و آثار و آفات و آسیب‌ها. برای پاسخ به این پرسش‌ها از روش تحلیل محتوا، که نوعی روش تحلیل گفتمنان محسوب می‌شود، استفاده شده است. مطابق باfte‌ها، براساس دیدگاه امام خامنه‌ای، در شکل دهنی به انقلاب اسلامی عواملی مؤثر بوده‌اند که عبارت‌اند از: عوامل ذهنی و عینی؛ خرد و کلان؛ زمینه‌های تاریخی؛ بستری‌ای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. تمام این عوامل در عین حال که محصول اراده‌های انسانی و متأثر از شرایط محیطی است، در چهارچوب سنت‌های الهی و مبتنی بر قوانین قطعی حاکم بر هستی رخ داده است؛ بنابراین، عوامل غیبی مثل عوامل ملکی و بر تارک آن در شکل دهنی به انقلاب اسلامی مؤثر بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** انقلاب، انقلاب اسلامی، منظومه فکری، امام خامنه‌ای.

## مقدمه: چیستی نظریه و مسئله نظریه‌پردازی

«تئوریا» در متون یونان باستان به معنی نگاه‌کردن و مورد مذاقه قراردادن ذهنی به کار رفته است (سیفرزاده، ۱۳۹۰: ص ۲۶). در اندیشهٔ یونانی، لغت تئوری به معنی تحقیق و بررسی درمورد تنوس یا خدا بوده و با گسترش علم به بررسی دربارهٔ هر مسئله‌ای انتقال یافته است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ص ۹۴). رفیع‌پور معتقد است تئوری‌ها تابع نوع نگاه افراد به هستی و جامعه است. وی به چند تعریف از مناظر گوناگون اشاره می‌کند که در ادامه خواهد آمد.

از دیدگاه تجربه‌گرایی ناب، تئوری کوششی است عملی در راه جمع‌آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقرارکردن همبستگی بین این یافته‌ها و تبیین آن‌ها از طریق استغرا بدون به کارگرفتن هر گونه تصویرات و تخیلات و توضیحات اضافه بر مشاهدات تجربی و بدین ترتیب یک بررسی اثبات‌شده از رابطهٔ علت و معلولی بین پدیده‌ها (همان). از نظر رفیع‌پور، جامع‌ترین تعریفی که تاکنون ارائه شده این تعریف است که تئوری مجموعه‌ای از گفتارهایی است که بر مبنای قواعد منطق با یکدیگر در ارتباط و میان بخشی از واقعیت هستند. در این تعریف تأکید بر روی چند نکته است: نوع خاصی از گفتارها به عنوان عنصر اساسی تئوری، ارتباط بین این گفتارها بر مبنای قواعد منطق (قیاس)، تبیین واقعیت (از راه قیاس) به عنوان هدف و تطبیق تئوری با واقعیت یا بررسی و آزمایش تجربی متین‌ها در عمل (همان: ص ۹۵).

از نظر کرلینجر، نظریه مجموعه‌ای از گزاره‌های تعریف‌شده و به هم مرتبط تشکیل شده‌اند. همچنین، نظریه روابطی را بین مجموعه‌ای از متغیرها (سازه‌ها) برقرار می‌کند و با این عمل دیدگاه نظام‌یافته‌ای از پدیده‌های توصیف‌شده توسط متغیرها ارائه می‌دهد. سرانجام نظریه پدیده‌ها را تبیین می‌کند. این کار با مشخص کردن اینکه چه متغیرهایی به چه متغیرهایی و چگونه مربوط هستند صورت می‌گیرد و بدین ترتیب، محقق می‌تواند از بعضی متغیرها متغیرهای دیگری را پیش‌بینی کند (کرلینجر، ۱۳۷۷: ص ۲۹).

چنانچه پیداست، تعاریف مختلف با وجود تفاوت‌ها و نیز تأکید بر وجود مختلف دارای اشتراکاتی هستند و تقریباً بر موارد یکسانی تکیه دارند؛ مواردی که با هر تعریفی باید به آن‌ها توجه کرد عبارت‌اند از: مسئلهٔ مفهوم‌پردازی وجود عناصر مفهومی متعدد، تأکید بر ارتباط بین عناصر و مفاهیم، اصرار بر منطقی و منسجم بودن ارتباط مفاهیم با هم، تأکید بر توانایی توصیف و تبیین یا به عبارت بهتر، توانایی نظریه در بیان نوع ارتباط مفاهیم.

## روش‌شناسی و منطق کشف نظریه انقلاب

محور تحقیق در اینجا موضوعی کلان است و موضوع خردتر در درون این موضوع کلان جای می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، «منظومه فکری» یک ساختار نظری یا فرانظری است که موضوع انقلاب در متن آن تعریف می‌شود. روش تحقیق در اینجا باید به گونه‌ای باشد که ابتدا به شناخت مبانی، قمرها و ستاره‌های این منظومه فکری کمک کند و درنهایت، موضوع محوری تحقیق یعنی انقلاب اسلامی در درون این چهارچوب تعریف و تبیین شود.

در ابتدا منظور از مفهوم منظومه فکری روشن می‌شود؛ آنچه بیشتر در ادبیات موجود علوم سیاسی و اجتماعی مورد بحث قرار گرفته، «نظام فکری» یا سیستم اندیشه است. برخی نظام‌الغتی معادل مفهوم سیستم می‌دانند. واژه سیستم از کلمه یونانی *systema* مشتق شده و به مجموعه‌ای از واحدها یا عناصر مرتبط به هم اشاره دارد که به منظور تأمین اهداف از پیش تعیین شده در ارتباط و تعامل با یکدیگر فعالیت می‌کنند (توكلی، ۱۳۸۳: ص ۴۸).

به طور کلی می‌توان گفت نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته است که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود کلیت جدیدی را احراز کرده و از نظم و سازمان خاصی پیروی می‌کند و در جهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است فعالیت می‌کند. بر همین پایه می‌توان گفت منظور از منظومه فکری، نظام منسجم و درهم‌تیله‌ای از مفاهیم و نظریه‌های است که بر مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی مشخصی بنا شده باشد. در حقیقت می‌توان گفت منظومه فکری نوعی فرانظریه یا «نظریه بزرگ» است که از دل آن نظریه‌های خردتری قابل استنتاج است. منطقاً منظومه فکری درخصوص اندیشمندانی مطرح می‌شود و معنا می‌یابد که مبنای فلسفی و کلانی دارند. درحقیقت این اندیشمندان بر پایه جهان‌بینی روشن و مشخص درباره موضوعات مختلف اقدام به بحث و نظریه‌پردازی می‌کنند. این بحث‌ها غالباً متعدد است و در بسیاری از موارد، مبتنی بر یافته‌های علمی و یا محصول خلاقیت و تولید ذهنی خود اندیشمند است. آیت‌الله خامنه‌ای در مقام یک نظریه‌پرداز، دارای دیدگاهی منسجم و نظاممند است که بر اصول جهان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مشخص و تعریف شده‌ای متکی است. ایشان با اتكا به همین مبانی مشخص در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایده‌پردازی کرده‌اند. در هر عرصه نظریه‌های ایشان قابل استخراج است: نظریه سیاسی (مردم‌سالاری دینی)، نظریه فرهنگ، نظریه اقتصاد، نظریه جامعه‌شناسی سیاسی وغیره. موضوع انقلاب اسلامی هم مقوله‌ای است که همسو با عناصر دیگر منظومه فکری به تفصیل توسط ایشان مورد بحث و نقد در ابعاد مختلف قرار گرفته است.

در اینجا مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان اصول و ارکان منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای را شناسایی کرد و نظریه انقلاب اسلامی در منظر ایشان با چه روشی قابل کشف و ارائه خواهد بود؟

واقعیت این است که در حوزه روش‌شناسی، علوم سیاسی و اجتماعی موجود بهشت دچار کاستی و نقص است. این کاستی از دو منظر قابلیت استفاده از روش‌های مرسوم برای بررسی تحقیق حاضر را کاهش می‌دهد؛ اولاً، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بسیار گسترد و پردازه است و هیچ‌کدام از روش‌های مرسوم ظرفیت لازم برای بررسی دیدگاه ایشان را ایجاد نمی‌کند. هر کدام از روش‌ها مبنا قرار گیرد، عملاً موجب خواهد شد بخشی از دیدگاه‌های ایشان از چرخه بحث خارج شود؛ ثانیاً، مهم‌تر اینکه تمام روش‌های مرسوم در چهارچوب تفکر اولمانیستی تعریف می‌شوند و کشش راهبری محقق به سمت لایه‌های عمیق اندیشه ایشان را ندارند.

براساس آنچه آمد، به علت کاستی‌های موجود در روش‌های متداول تحقیق و فربهی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به این روش‌ها، ناچار به اتخاذ روش اکتسافی هستیم؛ به عبارت دیگر، ضمن مطالعه تمام متنون و مطالب گفته‌شده توسط ایشان، چهارچوب بحث، مبانی آن و ابعاد موضوع روش‌شن خواهد شد. آیت‌الله خامنه‌ای از اندیشه منسجم و روشنمندی برخوردارند و در بسیاری موارد، در بیان ایده‌ها و نظریات به آنچه مدنظر است اشاره می‌کنند. همین منطق می‌تواند ما را از اتکا به روش‌های مرسوم تاحدود زیادی بی‌نیاز کند.

درنهایت، با توجه به تعریف منتخب از نظریه، مجموعه ایده‌های آیت‌الله خامنه‌ای در چهارچوبی نظری تدوین خواهد شد. در این چهارچوب نظری باید به این چند سؤال پرداخت تا ابعاد مختلف آن روش‌شن شود: چیستی انقلاب، چرایی انقلاب، چگونگی انقلاب و تاییج انقلاب. ماهیت هر پدیده به چیستی آن مربوط می‌شود و از چیستی آن پرسش می‌کند. در بحث چرایی به زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب پاسخ داده می‌شود و معمولاً به چهار وجه پرداخته می‌شود: زمینه‌های مکتبی و عقیدتی، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، زمینه‌های مادی و عینی و مبانی فکری. در بحث چگونگی انقلاب به فرایند وقوع انقلاب و نیروهای مؤثر و دخیل در آن پرداخته می‌شود. در پاسخ به سؤال نتایج انقلاب نیز به چگونگی تدوام انقلاب و میزان تحقق آرمان‌ها پرداخته می‌شود (شفیعی‌فر، ۱۳۹۲: صص ۲۶-۲۸).<sup>۱</sup>

۱. در اصل تحقیق (رساله دکتری با عنوان «انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای»). ۱۳۹۵. دانشگاه معارف اسلامی) به تمام وجوه مذکور به تفصیل پرداخته شده است، اما در اینجا به دلیل مجال محدود مقاله صرفاً دو بُعد چیستی و چرایی انقلاب مورد بحث قرار گرفته است.

## یافته‌های تحقیق الف- چیستی انقلاب

در تحلیل چیستی انقلاب به مجموعه مفاهیم و تعاریفی که ماهیت و جنس انقلاب را معرفی می‌کنند و باعث تمایز آن از دیگر انقلاب‌ها می‌شوند، پرداخته می‌شود. به تعبیر دیگر، پرسش از چیستی در برگیرنده معنا، مفهوم و ویژگی‌های انقلاب است که طبعاً تفاوت‌های این پدیده با مفاهیمی مرتبط از جمله نهضت، رفرم و اصلاح، جنگ داخلی، کودتا و همچنین، انواع انقلاب وغیره را نیز بازگو می‌کند (ملکوتیان، ۱۳۹۱الف: ص ۱).

برای شناخت ابعاد مختلف یک موضوع و پیش از بررسی چرایی و چگونگی، لازم است چیستی آن معلوم شود؛ به عبارت روشن‌تر، ابتدا باید بدانیم ماهیت یک پدیده چیست و اساساً درباره چه چیزی بحث می‌کنیم. در غیر این صورت، پرداختن به چگونگی و چرایی آن گاه موجب سردرگرمی و تشتت می‌شود.

در بسیاری از تعاریف، تمایزی بین چرایی، چگونگی و چیستی انقلاب‌ها دیده نشده است. برخی تعاریف انقلاب تعریف به غایت است و اهداف انقلاب را با چیستی آن همسان گرفته‌اند. برخی تعاریف تعریف به علل اند و مشخص کردن علل و ریشه‌های انقلاب را با تعریف انقلاب یکسان دانسته‌اند و برخی نیز چگونگی وقوع انقلاب را میان ماهیت آن دانسته‌اند. شاید نتوان مرز دقیقی بین این بخش‌های مختلف درنظر گرفت و در برخی موارد، در تعاریف انقلاب به ناچار به اهداف و یا علل آن هم پرداخت، اما قطعاً نمی‌توان چیستی انقلاب را همان علل و فرایندهای انقلاب دانست. به همین دلیل است که برخی از تعاریف انقلاب تفصیلی است و جزئیات این پدیده را هم مدنظر قرار می‌دهد و برخی نیز کلی است و تنها به ابعاد کلان آن می‌پردازد. مبنی بر برخی تعاریف، بسیاری از پدیده‌ها مثل شورش و کودتا را هم می‌توان انقلاب نامید و بر پایه تعاریف اجتماعی تر تعداد وقایع انقلابی بسیار نادر است.

برای نیل به یک تعریف مقبول باید پاسخ‌هایی مناسب برای سوالات زیر فراهم کرد: چه نوع دگرگونی و تغییر اجتماعی را انقلاب می‌نامیم؟ آیا هر دگرگونی که با درگیری و نزاع اجتماعی و ازمیان‌رفتن گروهی همراه باشد، انقلاب نامیده می‌شود؟ اگر چنین باشد باید تمام درگیری‌های قومی، شورش‌های نژادی، کودتاهای سیاسی را که توسط افراد یک خاندان یا احزاب مختلف انجام می‌شود و آثاری اجتماعی به همراه دارد، انقلاب انگاشت؟ آیا انقلاب، آن چنان‌که بسیاری پنداشته‌اند، الزاماً با خشونت یا تغییری ناگهانی همراه است؟ انقلاب اجتماعی دو مفهوم انقلاب و اجتماع را در بر می‌گیرد و تعریف آن متفرق بر شناخت اجتماع و حقیقت آن است (پارسانیا، ۱۳۸۹: ص ۱۳).

## مروری بر تعاریف انقلاب

برای فهم بیشتر تعریف آیت الله خامنه‌ای از انقلاب ناچاریم به اجمالی به تعاریف مطرح از انقلاب پیردازیم.

واژه انقلاب<sup>۱</sup> در لغت به معنای دگرگونی و تغییر است؛ اعم از دگرگونی در ساحت اجتماعی مثل آنچه در ایران، روسیه و فرانسه اتفاق افتاده یا تحول بنیادین در سایر زمینه‌ها نظیر کشاورزی (انقلاب سبز) و انقلاب اطلاعات (نوروزی، ۱۳۹۲: ص ۳۲). به نظر ملکوتیان، در اساس، انقلاب چه قدیمی و چه جدید خواهان عصری نو است و با وجود اشاره و تأکید بر دیدگاه‌ها ممکن است به معنی بازگشت به «وضعیت مطلوب» گذشته نباشد و «وضع مطلوب» جدیدی را بنیاد نهد (ملکوتیان، ۱۳۹۱: الف: ص ۳).

به نظر گی روشه، انقلاب درحقیقت به معنی قطع رابطه با وضعیت حاضر است که تحمل ناپذیر است و با نفسی و طرد وضع حاضر در صدد تجدید بنای محیط اجتماعی و انسانی کاملاً متفاوتی است (روشه، ۱۳۷۹: ص ۲۲). به اعتقاد شهید مطهری، انقلاب عبارت است از طغيان و عصيان مردم یک ناحيه و يا يك سرزمين عليه نظم حاكم موجود برای ايجاد نظمي مطلوب (مطهری، ۱۳۶۴: ص ۱۴۱).

منوچهر محمدی نیز انقلاب را یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی می‌باشد، می‌داند (محمدی، ۱۳۸۱: ص ۲۷).

همان طور که ملاحظه می‌شود، تعاریف متعدد است و هر کدام بر بعدی تکیه دارند. اما در مجموع صاحب‌نظران بر این اعتقادند که یک پدیده اجتماعی باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتوان بر آن عنوان انقلاب نهاد. نویسنده‌گان کتاب انقلاب اسلامی ایران معتقدند با نگاه دقیق به این پدیده و تعریف‌های آن می‌توان مواردی هفتگانه را از ویژگی‌های انقلاب دانست که عبارت‌اند از: بیگانگی عمیق از وضعیت موجود حاکم (که به دنبال نامیدی از بهمود شرایط پدید می‌آید)، نقش آفرینی رهبری و ساختارهای آن، گسترش آرمان‌های جدید جایگزین، گسترش روحیه انقلابی، مشارکت توده‌ها، وجود عنصر خشونت و تغییر در ساخت‌های رسمی (ملکوتیان: ۱۳۹۱: الف: صص ۱۱-۵).

از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان به یک جمع‌بندی درباره انقلاب رسید و آن اینکه نوعی

دگرگونی بنیادین در نهادها و ارزش‌های اجتماعی است که مبتنی بر نارضایتی عمیق مردم و مشارکت توده‌ای آن‌ها و با روشی خلاف قانون حاکم بر جامعه و همراه با خشونت و به قصد سرنگونی نظام سیاسی حاکم صورت می‌گیرد.

### چیستی انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای رویکردی تفصیلی به این موضوع داشته و از ابعاد مختلف به ماهیت انقلاب‌ها به طور کلی و انقلاب اسلامی به‌طور خاص پرداخته است.

- چیستی انقلاب: ایشان در یک جا انقلاب را معادل تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه می‌دانند: «انقلاب فقط شورش کردن، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست. انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه؛ تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجاست، به آنچه صحیح و مستقیم و بجاست». در این بیان ایشان به همه انقلاب‌ها پرداخته‌اند و در ادامه به ماهیت عام و تدریجی انقلاب نیز توجه داشته‌اند. تحقق این امر به تدریج و در طول زمان با تلاش و مجاهدت دائمی انجام می‌گیرد؛ مشروط بر اینکه روح و خواست و ضرورت انقلاب در مردم باقی بماند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵: بیانات).

در جای دیگر انقلاب را به کوره‌ای گذازنده تشبيه می‌کند که تغییردهنده شکل و نظم عناصر موجودات است: «انقلاب مثل یک کوره گذازنده است؛ تغییردهنده شکل و نظم عناصر موجودات است. انقلاب یک چنین حالتی است؛ مثل آنچه که قدیمی‌ها می‌گفتند: اکسیر، کیمیا، که عنصر مس را به عنصر طلا تبدیل می‌کند. این البته حالا ممکن است در ذهن بعضی‌ها افسانه به نظر برسد؛ افسانه هم نیست؛ واقعیت داشته و دارد. انقلاب یک چنین چیزی است؛ تغییردهنده است، دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجه اول، در لایه درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست. اولین تغییر، اینجا داده می‌شود، در دل‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷: بیانات).

در مجموع آیت‌الله خامنه‌ای پدیده‌انقلاب را پدیده‌ای می‌دانند که آن‌گونه که کارکرده‌ایان لیبرال بر آن تأکید دارند، الزاماً پدیده‌ای منفی نیست بلکه می‌تواند مثبت باشد. از نظر ایشان انقلاب برای ملتی که با نفی و طرد وضع موجود در پی این است که خود را «به رستگاری حقیقی و به سعادت برساند» و «برخوردار از تعالی و تکامل مادی و معنوی باشد» امری مثبت است، اما «برای کسانی که سال‌های متتمادی بر یک کشور پنجه انداختند، بزرگ‌ترین بلاست، برای آن‌ها منفی‌تر از انقلاب، هیچ‌چیزی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۶/۲۴: بیانات).

- چیستی انقلاب اسلامی: آیت‌الله خامنه‌ای شاخص‌هایی را که برای عموم انقلاب‌ها درنظر می‌گیرند درباره انقلاب اسلامی هم صادق می‌دانند مانند تغییر بنیادی‌ن در همه ابعاد زندگی و شروع این تغییر در ذهن و دل انسان‌ها؛ اما نقطه اصلی تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها در اصول و جهت‌گیری آن است. ایشان معتقد‌نند انقلاب اسلامی پدیده‌ای لایه‌لایه و پیچیده است که فهم کامل ابعاد آن مستلزم ورق‌زن و مطالعه لایه‌های مختلف آن است.

انقلاب یک حرف و یک حرکت دفعی نیست؛ یک حرکت مستمر است و اقتضائتش در زمان‌های مختلف، متفاوت است. وقتی انقلاب را مثل یک کتاب باز کنید، در درون آن، فصول و سطور معرفت وجود دارد؛ معرفت دینی، معرفت سیاسی و معرفت اخلاقی؛ همه این‌ها ذیل کلمه انقلاب وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۶/۲۴؛ بیانات).

گسترهٔ انقلاب اسلامی تمام ارکان و ساختارهای جامعه را دربر می‌گیرد. باید تحول هدفمندی در افراد و زیرساخت‌ها صورت گیرد تا بتوانیم بگوییم انقلاب رخ داده است. به علاوه این تحول باید در سراسر دنیا اسلام گسترش یابد.

### انقلاب و مفاهیم مشابه (اصلاح، تکامل، ثبات، تحول و تضاد)

در ادبیات مرسوم جامعه‌شناسی غالباً همزمان با بحث درخصوص ماهیت انقلاب به مفاهیمی مثل اصلاح، تحول، ثبات و تکامل و تضاد نیز پرداخته می‌شود. مکاتب مختلف مبتنی بر مبانی خود برداشت خاصی از این مفاهیم دارند و نسبت آن با انقلاب را هم در همان چهارچوب تعریف می‌کنند. به عنوان مثال در مکاتب لیرالیستی با رویکرد کارکردگرایانه، عموماً اصلاحات را امری مثبت و لازم و انقلاب را امری منفی می‌دانند. در چنین رویکردی مقوله ثبات اهمیت بیشتری دارد؛ هرچند این مکاتب عموماً در پاسخ به این مسئله که چگونه انقلاب امری مذموم است اما تحول و نوگرایی امری است ممدوح درمی‌مانند. در مکاتب مارکسیستی، بر عکس مکاتب لیرالیستی، انقلاب یک امر تکاملی و پیش‌برنده است و ذاتاً موجب تکامل افراد و جوامع می‌شود؛ بنابراین، تضاد و مبارزة ذاتی جامعه و نبود آن به معنی مرگ و انحطاط است.

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در توجه به این مفاهیم کاملاً متفاوت است. ایشان مبتنی بر مبانی فکری خود هیچ‌کدام از این مقوله‌ها را متعارض و متخاصل نمی‌بینند و معتقد‌نند در صورتی که در چهارچوب منسجم و قانونمند اندیشهٔ توحیدی به هر کدام از این مقوله‌ها پردازیم، همه آن‌ها لازم و ملزوم هم هستند.

با همین منطق معتقد‌نند بسته به منظر و تعریفی که ما از دو مفهوم اصلاح و انقلاب انتخاب

می‌کنیم نوع ارتباط آن‌ها مشخص می‌شود. اگر از منظر اسلامی این دو مفهوم را تعریف کنیم، هیچ تعارضی بین این دو وجود نخواهد داشت بلکه مکمل هم خواهند؛ اما اگر بر دو پایه‌های متفاوت مثلاً سکولار و اسلامی یکی را معرفی کنیم، آن دیگری نمی‌تواند با آن تعریف همسو شود: «اصلاح این است که هر نقطه خرابی، هر نقطه نارسایی و هر نقطه فاسدی، به یک نقطه صحیح تبدیل شود». با چنین تعریفی، «انقلاب خودش یک اصلاح بزرگ است». «خود انقلاب بزرگ‌ترین اصلاح است. تداوم اصلاحات در ذات و هویت انقلاب نهفته است. یک ملت انقلابی و هوشیار و شجاع، به‌طور دائم، نگاه می‌کند تا بینند فسادهایی که از قبل در میان او مانده و فسادهایی که در طول زمان بر اثر غفلت‌ها و سوء مدیریت‌ها و سوء تدبیرها و تجاوزها به وجود آمده کدام است تا آن‌ها را اصلاح کند. اشتباهات و خطاهای کدام است، تا آن‌ها را اصلاح کند. انقلاب که بدون اصلاح امکان ندارد. هیچ جامعه انسانی بدون اصلاح امکان ندارد» (همان). این نوع نگاه با تعریف بینایین ایشان از انقلاب کاملاً همسو و همخوان است؛ تعریفی که انقلاب اسلامی را حرکتی تدریجی و مستمر می‌داند و اصلاح، پیشرفت و حرکت دائم برای نیل به تعالی و تکامل را ذاتی انقلاب می‌بیند.

از طرف دیگر، ایشان چون امر انقلاب را مساوی با بی‌هنگاری و اعتشاش مداوم نمی‌دانند، معتقدند حركت مستمر و رو به تکامل انقلاب محتاج نظم و ثبات است و این ثبات به معنی رکود نیست، بلکه به معنی پذیرش قواعد مشترک برای حركت رو به جلو است (خامنه‌ای، ۱۴۰۷/۲۴: بیانات). از نظر ایشان، این نوع ثبات با رکود متفاوت است. ثبات ملازم تحول است و تحول هم لازمه تکامل و تعالی است.

در مجموع چیستی و ماهیت انقلاب در منظر آیت‌الله خامنه‌ای را باید در چهار چوب مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی ایشان تعریف کرد. براساس مبانی فکری ایشان می‌توان گفت:

- هستی کلی منسجم است که مخلوق خدای حکیم است و تمام عناصر هستی بر مدار توحید

در حركت و در صیرورت به سمت تعالی و تکامل است.

- قاعده‌مندی، نظم، جهت‌دار بودن و تبعیت از نظام علت و معلولی از جمله قواعد حاکم بر

هستی است؛ بنابراین، هستی دارای نوعی ثبات مبتنی بر همین قواعد نگهدارنده است.

- تحول و تغییر جزء جدایی ناپذیر و سنت لایتغیر عالم هستی است.

- همه قواعدي که بر عالم هستی حاکم است درباره انسان نیز صادق است.

- خدای حکیم نظام مطلوب و جامعه آرمانی که همان حیات طیبه باشد را از طریق انبیای

الهی برای بشر فرستاده و انسان‌ها را امر به مقابله با وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب کرده است.

- تضاد بین حق و باطل و جبههٔ توحید و جبههٔ طاغوت اصلی قطعی و دائمی است که از ابتدای خلقت آدم وجود داشته است و تا ابد ادامه دارد.

با توجه به این مبانی و مبتنی بر ویژگی‌ها و ابعادی که آیت‌الله خامنه‌ای برای انقلاب اسلامی درنظر گرفته‌اند می‌توان انقلاب اسلامی را دارای خصوصیات زیر دانست:

۱. انقلاب اسلامی پدیده‌ای لایه‌لایه و پیچیده و دارای ابعاد مختلف معرفتی است.

۲. تغییر بنیادین ارزش‌ها ویژگی حتمی و اصلی هر انقلابی است؛ بنابراین، صرف جایه‌جایی حاکمان به معنی انقلاب نخواهد بود. تغییر بنیادین همهٔ ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی لازمهٔ انقلاب است. این تغییر بنیادین هم انسان‌ها و هم جوامع را شامل می‌شود.

۳. انقلاب با حادث دفعی و محدودی مثل کودتا و شورش نیز متفاوت است؛ دلیل آن هم در حضور و مشارکت گسترده مردم و نتایج فراگیر و طولانی مدت آن است.

۴. انقلاب یک تحول است و تحول در ذات هستی و انسان است؛ بنابراین، انقلاب امری مثبت است و در مسیر تکاملی انسان و جامعه تعریف می‌شود. اساساً تعارض و تضاد ذاتی بین حق و باطل مسئلهٔ تحول و تغییر را گریزناپذیر می‌کند و این تغییر الزاماً در مسیر تکامل انسان و جامعه باید تعریف شود (برداشتی مشابه با نظریه‌های تضادگر؛ اما در مبنای و ماهیت متفاوت).

۵. انقلاب در عین حال که وضع موجود را به هم می‌زند، به معنی آثارشی و بی‌هنجری نیست. نظم و ثبات ذاتی انقلاب و لازمهٔ آن است. پس انقلاب از طرفی بر هم زنندهٔ وضع موجود و به وجود آورندهٔ تحول و ضد رکود است و از طرفی دیگر، مبتنی بر نظم و قاعده و با ثبات می‌تواند بقا داشته باشد.

۶. انقلاب تحولی تدریجی و مستمر است؛ بنابراین، از طرفی ریشه در گذشته دارد و از سویی رو به آینده حرکت می‌کند. بر این اساس، هیچ‌گاه نمی‌توان فرایند انقلاب را امری تمام شده دانست. در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی، تمام انبیا، رهبران نهضت‌های انقلابی بوده‌اند و بزرگ‌ترین انقلاب جهانی از ابتدا تاکنون بعثت نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) بوده است. ائمه طاهرین (علیهم السلام) هم ادامه‌دهنده این نهضت جهانی بوده‌اند. انقلاب اسلامی ایران محصول و ادامه این نهضت و مقدمه‌ای برای انقلاب کامل جهانی

به رهبری امام عصر (عجل الله تعالى) است.

۷. انقلاب اسلامی در عین حال که در محدوده جغرافیایی کشور ایران شکل گرفته و انقلابی ملی محسوب می‌شود، با توجه به مبانی و ماهیت توحیدی آن انقلابی جهانی و فراگیر است که همه امت اسلامی و بلکه تمام مستضعفان عالم را شامل می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای ویژگی‌هایی را در تعریف چیستی انقلاب مهم می‌دانند که مواردی از آن در تعاریف دیگر محققان هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ مواردی مانند نارضایتی عمیق از شرایط حاکم، گسترش و پذیرش اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها (جديد جايگزين، گسترش روحیه انقلابی، مشارکت گسترده مردمی، تغییر در ساختارهای اجتماعی و سیاسی جامعه و وجود رهبری و ساختارهای اجتماعی-سیاسی اداری بسیج گر).

برخی موارد در تعاریف دیگران دیده می‌شود که ایشان آن‌ها را در بخش چگونگی و فرایند انقلاب قابل طرح می‌دانند. وجود عنصر خشونت و عمل برخلاف قوانین و قواعد پذیرفته شده از جمله این خصوصیات است. در نگاه ایشان قطعاً تخاصم و درگیری در جریانی فرآگیر مثل انقلاب وجود خواهد داشت، اما ذاتی آن نیست. چه بسا خشونت و ناهمجاری در یک حرکت اجتماعی در بالاترین حد ممکن صورت گیرد، اما هیچ تغییر بنیادینی رخ ندهد. با این حال توجه دارند گرچه خشونت ذاتی انقلاب نیست، اما انقلاب‌هایی که ما می‌شناسیم همگی با خشونت همراه بوده‌اند. شهید مطهری هم به همین موضوع خشم و پرخاشگری توجه داشته‌اند و سهم آن را نادیده نمی‌گیرند.

برخی عناصر هم در تعریف ایشان از چیستی انقلاب دیده می‌شود که در سایر تعاریف به آن توجه نشده و یا با مقصود و تعریفی کاملاً متعارض بیان شده است. ماهیت تدریجی و مستمر انقلاب از جمله این ویژگی‌هاست و به دنبال آن خصلت تکامل بخش انقلاب است. از منظر ایشان انقلاب اسلامی فرایندی تدریجی و تمام‌شدنی است. نکته دیگر نگاه ایشان به دو مقوله اصلاح و انقلاب است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، اصلاح در ذات انقلاب اسلامی نهفته است و اساساً انقلاب اسلامی در صورتی زنده و رو به تکامل خواهد بود که مدام بر مدار اصلاح باشد.

با توجه به نکاتی که گفته شد می‌توان به این تعریف از انقلاب اسلامی در چهارچوب فکری آیت‌الله خامنه‌ای دست یافت: «انقلاب اسلامی تغییر بنیادین در ارزش‌های ایشان که به جایه‌جایی صرف هیئت حاکمه محدود نمی‌شود و با دگرگونی در دل‌های افراد و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همراه است. این دگرگونی فرایندی تدریجی و مستمر است که جهت آن تکاملی و تعالی بخش است».

## ب- چرایی وقوع انقلاب

منظور از تحلیل چرایی انقلاب پرداختن به مجموعه علل و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری انقلاب و بسترهای زمینه‌ساز پیدایش انقلاب است. به نظر ملکوتیان، بیشتر نظریه‌های انقلاب در پاسخ به این پرسش ظاهر شده‌اند. در این زمینه هر فرضیه یا نظریه‌ای به چند عامل کلیدی می‌رسد. پژوهشگر با کنکاش درباره چگونگی وقوع یک یا چند انقلاب، چند عامل را در وقوع انقلاب مؤثر می‌داند (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ص ۱).

مجموعه‌های عوامل و زمینه‌ها را می‌توان در دو دسته کلی داخلی و خارجی جای داد و در هر حوزه می‌توان زمینه‌ها را در چند دسته قرار داد: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. هر کدام از این عناصر می‌تواند دو وجه داشته باشد؛ زمینه‌های تسهیل‌گر و زمینه‌های گریزاننده. به عبارت روش‌تر، برخی عوامل و بسترهای موجبات نارضایتی و ناامیدی مردم از وضعیت موجود می‌شوند و در همان عرصه زمینه‌هایی وجود دارند که امید به تغییر وضعیت و رسیدن به یک وضع مطلوب را در افراد شکل می‌دهند. به عنوان مثال، گاهی در حوزه سیاسی فساد حاکمان موجبات نارضایتی مردم را فراهم می‌کند، اما مردم هیچ امکان ایدئولوژیک و فرهنگی برای رسیدن به یک نظام سیاسی مطلوب در اختیار ندارند. این امکان و زمینه امیدبخش می‌تواند در سوابق تاریخی و فرهنگی وجود داشته باشد یا از طریق اقتباس یا تقلید از دیگر فرهنگ‌ها اخذ شود. گاهی یک رهبر توانمند این امید و اشتیاق را در افراد ایجاد می‌کند. تمام این زمینه‌ها می‌توانند در یک امتداد تاریخی، طرح و ارزیابی شود.

## مروری بر مدل‌ها و ساختارهای مطرح در تحلیل چرایی انقلاب

صاحب‌نظران با مدل‌ها و چهارچوب‌های نظری متفاوتی به بررسی پدیده انقلاب پرداخته‌اند. این مدل‌ها را می‌توان با اشکال مختلف تقسیم بندی کرد: مدل جامعه‌شناسی، مدل فرهنگی، مدل سیاسی و مدل روان‌شناسی. از منظری دیگر می‌توان تمام مدل‌ها را در سه دسته جای داد: مدل‌های فردی که صرفاً بر عوامل ذهنی و روان‌شناسی تکیه دارند و نقش ساختارها و سازمان‌ها را نادیده می‌گیرند و مدل‌های ساختارگرا که صرفاً عوامل ساختاری و کلان را در انقلاب مؤثر می‌دانند. این دسته خود چند نوع هستند: تئوری‌هایی که صرفاً بر ساختارهای اقتصادی تکیه دارند که عموماً مارکسیست‌ها در این گروه قرار می‌گیرند و تئوری‌هایی که بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تکیه می‌کنند. مدل سوم دارای رویکردی تلفیقی است، هم بر عوامل ذهنی و خرد تأکید دارد و هم نقش ساختارهای کلان را نادیده نمی‌گیرد.

در مجموع می‌توان گفت مجموعه‌ای از دیدگاه‌های متفاوت درباره پدیده انقلاب به وجود آمده است که حتی برخی از آن‌ها با یکدیگر کاملاً تناقض دارند. برای مثال نظریه‌ای پیشرفت و بهبود موقعیت اقتصادی را سبب انقلاب می‌داند؛ نظریه‌ای دیگر، بدترشدن این موقعیت را و نظریه سوم، رکود سریع و کوتاه‌مدت پس از بهبودی طولانی مدت را ایجادکننده انقلاب خوانده است. مراد از چرایی وقوع انقلاب بیان علی است که در همه انقلاب‌ها دیده می‌شوند و تا وقتی پدید نیایند، هیچ انقلابی اتفاق نمی‌افتد. این دسته از علل، علل کلی خوانده می‌شود. ممکن است علل کلی هنگام تطبیق بر مصداقی خاص مانند انقلاب اسلامی، شکلی ویژه یابد. منظور از چگونگی وقوع انقلاب نیز مسیر خاص شرایط یا تحولاتی است که به ایجاد کلی و سرانجام پیروزی انقلاب می‌انجامد. به زبان ریاضی، انقلاب برایند حوادث و دگرگونی‌های متنوع و متقطع تاریخی یک کشور است و مجموعه تحولات و شرایط فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در قوع آن دخالت دارد. البته در هر انقلابی ممکن است با توجه به ماهیت و نوع انقلاب و رژیم سیاسی، یک یا تعدادی از تحولات و شرایط نقش اصلی و بارز داشته باشد. با این حال، آنچه درنهایت وقوع انقلاب را گزیناپذیر می‌کند، علی محدود است که در سایه تأثیر و تأثر تحولات و شرایط فوق پدید می‌آید و گسترش می‌یابد. علل کلی، با بحث چرایی و تحولات و شرایط با بحث چگونگی وقوع انقلاب ارتباط دارد. ملکوتیان در یک جمع‌بندی معتقد است علل کلی - که در هر انقلابی دیده می‌شود - عبارت است از: ۱. نارضایتی عمیق از شرایط حاکم، ۲. نقش آفرینی رهبری و ساختارهای اجتماعی-سیاسی دارای نقش وسیع‌گر، ۳. گسترش و پذیرش اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های جدید جایگزین، ۴. گسترش روحیه انقلابی (ملکوتیان، ۱۳۹۱: صص ۷۸-۷۹).

با بررسی مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان ادعا کرد ایشان رویکردی چندعلتی به تحلیل همه پدیده‌ها دارند؛ اما درنهایت عوامل و زمینه‌های فرهنگی را مهم‌تر از سایر عوامل می‌دانند. ایشان هم بر عوامل ساختاری و هم عوامل ارادی و فردی تأکید دارند، نقش رهبری را مهم و غیرقابل انکار می‌بینند، هم عوامل ذهنی و هم عوامل عینی را مؤثر می‌دانند و همین طور زمینه‌ها و مداخلات خارجی را در کنار عوامل و شرایط داخلی مؤثر می‌بینند. علاوه‌براین، تمام عوامل را در یک بستر تاریخی تصویر و تعلیل می‌کنند. نکته بسیار مهم و اساسی اینکه مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی، تمام این عوامل و زمینه‌ها را در چهارچوب «سنّت‌های الهی» و در طول اراده خدای حکیم و عزیز می‌دانند. در سراسر مباحث ایشان این موضوع نقشی کانونی و اصلی ایفا می‌کند. در این بخش رئوس ساختار فکری ایشان در تحلیل پدیده‌های سیاسی-اجتماعی می‌آید. این رئوس مسیر مباحث ما را تا حدود زیادی روشن خواهد کرد.

**منطق روش شناختی آیت الله خامنه‌ای در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی**

امام خامنه‌ای در تحلیل پدیده‌های سیاسی چند ملاحظه مقدماتی را مورد توجه قرار می‌دهند: از نظر ایشان نخست اینکه تئوری‌های متدالوی عقیم است و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را نمی‌توان با این نظریات به خوبی تحلیل کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲: بیانات)؛ دوم، علم بهویژه علوم انسانی به علت ابتدا بر ارزش‌ها بی‌طرف نیست؛ سوم، در تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی باید نگاه کلان داشت (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴: بیانات)؛ چهارم، در نظام تحلیلی آیت الله خامنه‌ای، قواعد حاکم بر نظام اجتماعی یکسان است و همه جامعه تابع سنت‌های الهی هستند. این سنت‌ها در هر زمان و مکانی فرایند و نتایج مشابهی را درپی دارد. بر همین اساس، عوامل و زمینه‌ها در انقلاب‌های گوناگون دنیا مثل انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب‌های دیگر، مشابه است. عوامل مشابه است و نتایج مشابهی را هم درپی دارد. این بدین معنی است که وقایع و حوادث قابل تعمیم هستند. بر همین اساس است که با ذکر داده‌ها و وقایع تاریخی به تحلیل مسائل انقلاب اسلامی می‌پردازند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵: بیانات)؛ ششم، در منظر آیت الله خامنه‌ای، نظام اجتماعی مثل نظام هستی، متشکل از عناصری همبسته و منسجم است که روابط متقابل و چندسویه دارند. در چنین نظام درهم‌تیشه‌ای وقایع جوامع مختلف بر هم‌دیگر مؤثر است (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: بیانات)؛ ششم، رابطه دوسویه ساختار و عامل را مهم می‌دانند. برخی نقش کارگزاران و عوامل ارادی را اصلی و تعیین‌کننده می‌دانند و برخی بالعکس، ساختارها را اصل می‌دانند و نقش کم‌رنگ یا بی‌رنگی برای عوامل انسانی قاتل هستند. البته برخی دیگر تلاش داشته‌اند نقش کارگزاران و ساختارها را با هم بینند. آیت الله خامنه‌ای هم عوامل و اراده انسانی را مؤثر می‌دانند و هم ساختارها را؛ هرچند به نظر می‌آید تعیین‌کننده اصلی و نهایی را انسان‌ها و اراده آن‌ها می‌دانند. چنین برداشتی با نظام فکری ایشان که انسان را مختار و خلیفه خدا در زمین می‌داند و معتقد است همه عالم مسخر اوست همخوان است. شدت تأثیر اراده فردی را تا جایی می‌داند که هر فرد به‌نهایی می‌تواند جمعی و گاه جهانی را متأثر از رفتار خود کند: «گاهی عمل یک فرد روی یک مجموعه اثر می‌گذارد. گاهی خطای یک سنگربان یک صفت را از هم می‌پاشد. اگر این طور دقیق در خط مطالب بروید، تفسیر الهی حوادث از فتح و شکست به دست خواهد آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۶: بیانات). نکته هفتم و آخر اینکه ایشان رابطه ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را رابطه‌ای چندسویه و تعاملی می‌بینند اما بازیگر اصلی را عوامل فرهنگی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳: بیانات).

به طور کلی آیت الله خامنه‌ای معتقد‌ند سؤال از چرا باید انقلاب یکی از منطقی‌ترین و طبیعی‌ترین

سؤالات است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ بیانات). پاسخ به این سؤال یعنی توجه به صدھا شرطی که فراهم می‌شود تا زمینه انقلاب فراهم شود. انقلاب اسلامی نمونه یک انقلاب بزرگ است که در شکل دھی به آن صدھا شرط کنار هم قرار گرفته‌اند: «صدھا شرط و صدھا موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید؛ نه، در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آنقدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای اینکه انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط آسان به دست نمی‌آید. این همه شرایط باید با همدیگر مجتمع شوند تا چنین چیزی پیش آید؛ چیز بسیار مستبعدی است. البته نه اینکه ممکن نیست، قطعاً اگر شرایط را پیش بیاورند، در همه‌جا ممکن است؛ لیکن در کشور ما به‌حال این شرایط پیش آمد و شد و این پدیده بسیار مغتنم و دیریاب و عجیبی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲؛ بیانات).

اما این شروط را می‌توان در یک جریان به هم پیوسته تاریخی تصویر کرد که عبارت‌اند از:  
**زمینه‌های تاریخی**: در این بخش عوامل و بسترها تاریخی که انقلاب در آن اتفاق افتاده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مبتنی بر منظر فکری آیت‌الله خامنه‌ای به درگیری تاریخی دو جبهه حق و باطل و نیز جایگاه انقلاب اسلامی در سیر تحولات و حرکت تکاملی جامعه شیعی پرداخته می‌شود و ریشه‌های تاریخی، عقیدتی، فرهنگی و هویتی انقلاب بحث می‌شود. در این بخش به مسائل صدر اسلام، بعثت نبی اکرم و حوادث عاشورا اشاره می‌شود.

**زمینه‌های جهانی**: بررسی شرایط و ویژگی‌های خاص جامعه جهانی و تأثیر آن‌ها در شکل گیری انقلاب اسلامی بسیار اهمیت دارد. مسئله مدرنیته و تجدد و هجوم به هویت فرهنگی ملت‌ها، بهویژه هویت دینی و مذهبی، در قالب جریان روشنفکری و در کنار آن جریان استعمار و سلطه همه‌جانبه و غارت منابع ملت‌ها و نیز خلاه‌ها، بحران‌ها و تناقض‌های ناشی از نظم توین مادی در اینجا مدنظر قرار می‌گیرد.

**زمینه‌های ملی**: در تحلیل عوامل زمینه‌ساز و بسترها داخلی وقوع انقلاب اسلامی ابتدا به نهضت‌های بزرگ تاریخ معاصر مثل انقلاب مشروطیت پرداخته می‌شود. سپس روند شکل‌گیری استبداد وابسته رضاخانی و آثار ناشی از آن بحث می‌شود. در یک ساختار مجموعه عوامل ملی، اعم از نامشروع بودن حکومت پهلوی از ابعاد مختلف استبداد، فساد، ناکارآمدی، سلطه بیگانه، بی‌هویتی، مذهب‌ستیزی و عوامل شتاب‌زا بررسی شود.

آیت‌الله خامنه‌ای به تمام این عوامل توجه دارد و بر این باورند که مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌دهنده به شرایط داخلی در بستری جهانی شکل گرفته‌اند. بستری که از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به این عناصر توجه کرد: پیشرفت سریع علمی و صنعتی هم‌زمان با عقب‌ماندگی مزمن در جهان اسلام و ایران، استعمار غارتگر و نظام استکباری که تمام همت آن در به استضعفاف کشاندن ملل دیگر مصروف شده است، استفاده ابزاری نظام استکباری از علم برای به زنجیر کشیدن دیگران، وجود تششت و تفرقه در جهان اسلام، جدیت همه‌جانبه غرب در رواج فساد فرهنگی و توسعه آن در ممالک مستعمره وغیره. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، تمام این ویژگی‌ها نقش مستقیم و غیرقابل انکاری در ایجاد یا تشدید وضعیت نامطلوب جامعه ایران داشته است. نظام سیاسی مستبد و وابسته، شرایط فرهنگی فاسد و آلوده، نظام اقتصادی عقب‌مانده و وابسته و نظام اجتماعی متشتت و مضطرب.<sup>۱</sup>

عامل دوم را می‌توان قیام‌های انقلابیون علیه فرهنگ طاغوتی در حال پیشرفت دانست. پس از سال‌ها سیطره فرهنگ فاسد و الحادی غرب و ازوای مؤمنان و مسلمانان زمینه‌ای لازم بود که این کرختی و خمودی را ازبین ببرد و روح شجاعت و تمرد در مقابل مستبدان وابسته را در جامعه تزریق کند و این اتفاق افتاد. هویت ملی و دینی در چنین شرایطی آرام‌آرام شروع به جوانه‌زنی کرد و نهضت‌های ضداستعماری و آزادی خواهانه یکیک ظهرور کردند؛ قیام مردم لارستان به رهبری آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین لاری و نهضت تباکو به رهبری آیت‌الله العظمی میرزا شیرازی از جمله این بارقه‌های امید است. نهضت مشروطیت انقلابی بزرگ بود که با رهبری روحانیت در صدد ریشه‌کن‌سازی بنیادهای استعماری و استبدادی برآمد اما درنتیجه فرست طلبی انگلیسی‌ها و غفلت علما به انحراف کشیده شد. در نتیجه این نهضت‌ها مردم یاد گرفتند که چگونه باید برای احیای هویت فرهنگی و تاریخی قیام کنند و دنبال چه کسانی راه بیافتند. تجارب حاصل از این قیام‌ها رهبران انقلاب اسلامی را به مراقبت و دقت بیشتر وادار کرد.<sup>۲</sup>

عامل سوم را باید در زمینه‌های تاریخی نزدیک به انقلاب جست وجو کرد که بستر اصلی نارضایتی مردم و رهبران انقلاب را فراهم کرده است. این عامل را می‌توان عامل فرهنگی دانست

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این مباحث ر.ک.: خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱؛ بیانات در سالروز میلاد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ همو، ۱۳۶۹/۰۳/۱؛ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله عليه)؛ همو، ۱۳۷۷/۰۹/۰۲؛ بیانات در دیدار پاسداران و پسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (علیه‌السلام) و روز پاسدار؛ همو، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶؛ بیانات در دیدار استاد دانشگاه‌ها؛ همو، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵؛ بیانات در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان؛ همو، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵؛ بیانات در دیدار با افسار مختلف مردم.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره این مباحث ر.ک.: خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۱۹؛ بیانات در دیدار عمومی مردم لار.

و ویژگی اصلی آن را باید در تقابل با ریشه و مبنای اصلی انقلاب یعنی سیطره فرهنگ طاغوتی دانست. در شرایط تاریخی دوران پهلوی، فرهنگ الحادی شکل گرفت و به شکلی منسجم، نظام مند و فرآگیر شروع به تخریب پایه‌های فرهنگ توحیدی کرد. با انحراف مشروطیت و ایجاد هرج و مر ج مصنوعی، زمینه برای حاکمیت رضاخان میرپنج فراهم آمد و کشور ایران در مسیری منحظر از پیش قرار گرفت. انحطاط این فرهنگ را می‌توان با شاخص‌هایی توصیف کرد: غرب‌زدگی و تقليدگرایی مطلق و خالی از تعقل و گزینشگری، نبود خودباوری و نبود باور به توان ملی، نبود عزت ملی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ وارداتی از هر جهت، احساس سستی، تخدیر و پوکی در ملت که مانع هر نوع تحرک مثبتی می‌شد، کمبود بصیرت و صبر به علت تربیت حاکمان ظالم و عدم آگاهی از توانمندی‌های ملی و تاریخی کشور و ناآشنایی با کاستی‌ها و بیماری‌های فرهنگ وارداتی و درنهایت و در بدترین شکل، اسلام‌زدایی و ترویج سبک زندگی مادی.

عامل چهارم انقلاب را باید در شرایط اقتصادی جست‌وجو کرد که خود محصول زمینه‌های دیگر بود. از جهت اقتصادی، بدترین دوران برای طبقات فقیر، بدترین دوران از لحاظ غارتگری و چپاولگری منابع طبیعی توسط بیگانگان بهویژه امریکا در این کشور، دوران پهلوی است؛ به‌گونه‌ای که با حاکمیت مدل نوسازی غربی، وضعیت اقتصادی به شرایط این چنینی رسید: غارت ثروت ملی توسط بیگانگان، حاکمیت اقتصاد تک محصولی و وابستگی به نفت و درنتیجه گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و مفت‌خواری و عدم توجه به تولید و تلاش، ایجاد تبعیض و شکاف طبقاتی و نیز ایجاد محرومیت مصنوعی و اصرار بر تمرکزگرایی. این شرایط نارضایتی را صد‌چندان کرد.

عامل پنجم انقلاب شرایط سیاسی و شیوه حکومت‌داری است. از جهت سیاسی، حکومت پهلوی تقریباً تمام خصوصیات یک حکومت بد را در چهار بعد فساد، وابستگی، تحمیلی بودن و بی‌کفایتی داشت. حکومتی که از هیچ جهت قابل دفاع نبود و می‌توان آن را محمل و ابزار اصلی شکل‌گیری شرایط منحظر فرهنگی و وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی دانست. همین شرایط مردم و رهبران را به اجماع برای براندازی آن کشاند. هیچ گروهی حتی گروه‌های غیر مذهبی غیر وابسته به حکومت امکانی برای دفاع از حکومت و استمرار حیات آن نمی‌دیدند و یا دست کم جرئت آن را به خود نمی‌دانند؛ بنابراین، نگرش اصلاحی به حکومت جایی در مبارزات نداشت و همگان طالب براندازی کامل آن بودند و در تحکیم این اعتقاد امام خمینی (رحمه‌الله علیه) هم با آگاهی بخشی و هم با تشویق مردم به استقامت، نقش اصلی را داشت.

درنهایت اینکه در بستر سنت‌های الهی، زمینه وقوع انقلابی الهی فراهم آمد. از طرفی حکومتی فاسد با فرهنگ و خلقياتي جاهلي در سطح ملي شکل گرفت که شرایط منحظر و فاسد فرهنگی،

اقتصادی و سیاسی را در ایران شکل داد. این حکومت فاسد از طرف هژمونی فاسد بین‌المللی از همه جهات تقویت شد و زمینه نارضایتی و انفجار عمومی را بیش از پیش فراهم کرد. نهضت‌های بیاپی مردمی به رهبری روحانیت و سایر مجاهدان مؤمن روح شجاعت و جرئت تقابل در مردم را زنده کرد اما هنوز در این میان یک نقطه اساسی شکل نگرفته بود. حکومت با تمام قوا سعی در حفظ کیان خود داشت و از تمام ابزار قهری، تبلیغی و مالی استفاده می‌کرد. نقش رهبری و قیام مردمی در این شرایط تعیین‌کننده است. گروه‌های مخالف مختلفی در کشور علیه حکومت حرکت کردند که تماماً ناموفق بودند، مانند گروه‌های چریکی و پارتیزانی، کودتاچیان، احزاب و تشکیلات سیاسی فراگیر و جریان‌های ریز و درشت دیگر. تمام این حرکات به دو دلیل ناموفق بودند: عدم اقبال عمومی مردم به آنان و عدم انکا به باورهای تاریخی و مذهبی مردم ایران. امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در چنین شرایطی ظهور کرد و به تفسیر وضعیت موجود جامعه بر پایه مبانی الهی و عقیدتی مردم پرداخت، وضعیت مطلوب و آرمانی را بر پایه همین اعتقادات ترسیم کرد، مردم را با بصیرت و صبر به میدان مبارزه کشاند و خود پیشایش همه در این میدان حرکت و هزینه کرد. مردم آرزوها و رویاهای گذشته و آینده خود را در او مجسم دیدند و با تمام وجود پشت سر ش راه افتادند. موج فراگیر و عمومی شکل گرفت و روزبه روز گسترشتر شد. اراده انسانی در چهارچوب سنت‌های الهی شکل گرفت و امدادهای غیبی هم به مدد امام و مردم مؤمن ایران آمد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

انقلاب‌ها به طور کلی و انقلاب اسلامی به طور خاص پدیده‌های چندوجهی هستند که دیدگاه‌های مختلفی در خصوص آن طرح شده و با رویکردهای مختلف توصیف و تبیین شده است. عموم این دیدگاه‌ها در چهارچوبی اولانیستی به تحلیل انقلاب پرداخته یا اگر هم منظری بومی و دینی برگزیده‌اند به همه ابعاد آن توجه نداشته‌اند. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای هم مبنی بر مبانی اسلامی

۱. برای مطالعه دقیق‌تر ر. ک.: خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۶: بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه؛ همو، ۱۳۸۰/۰۲/۲۲: بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی ستندج؛ همو، ۱۳۷۸/۱۱/۱۹: بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی در دانشگاه هوایی شهید ستاری؛ همو، ۱۳۷۷/۰۸/۱۲: بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام علی (علیه‌السلام)؛ همو، ۱۳۹۲/۰۴/۱۹: بیانات در محفل انس با قرآن در روز اول ماه مبارک رمضان؛ ۱۴۳۴/۱۰/۱۷: بیانات در جمع اقسام مختلف مردم در روز میلاد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالیٰ فرجه)؛ همو، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵: بیانات در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان؛ همو، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵: بیانات در دیدار با دانشگاه فردوسی مشهد؛ همو، ۱۳۷۸/۰۳/۰۴: بیانات در دیدار مستولان شوراهای اسلامی شهر و بخش سراسر کشور؛ همو، ۱۳۷۷/۰۱/۰۱: بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

است و هم تمام وجوه ممکن درخصوص پدیدۀ انقلاب را پوشش می‌دهد. تدوین چنین دیدگاهی در چهارچوبی علمی و منسجم به شکلی قابل عرضه در عرصه‌های علمی هدف بنیادین این تحقیق بوده است. برای رسیدن به این منظور چند سؤال اصلی طرح شده است: چیستی، چرايی، چگونگی، نتایج و آثار و آفات و آسیب‌ها. برای پاسخ به اين پرسش‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

نتایج را از دو بعد باید مورد توجه قرار داد: اول، دیدگاه امام خامنه‌ای درخصوص انقلاب‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی به‌طور کلی است. نظرگاه ایشان از این جهت و در بسیاری از موارد با دیدگاه اندیشمندانی چون شهید صدر و شهید مطهری مشابه است؛ به‌ویژه در تحلیل نقش ساختارها و جایگاه اراده انسان در تحولات؛ اما از جهاتی دیگر متمایز است. تمرکز اصلی ایشان بر تحلیل چیستی، چرايی و چگونگی انقلاب اسلامی است؛ بنابراین، آنچه در اینجا آمده می‌بين نظرگاه ایشان در این خصوص است. هرچند نتایجی که در این حوزه می‌گیرند در موارد عام و کلی، قابلیت تعمیم و تسری به سایر انقلاب‌ها را نیز دارد. ایشان انقلاب اسلامی را در چهارچوب سنت‌های الهی و در مسیر حرکت تاریخ به سمت حاکمیت حق می‌بیند؛ واقعیتی که موجب تحولات بنیادین شده و دارای ماهیتی مستمر و رو به تکامل است. عوامل مؤثر بر انقلاب اسلامی مشتمل بر عوامل ذهنی و عینی؛ خرد و کلان؛ زمینه‌های تاریخی؛ بسترهاي اقتصادي، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. تمام این عوامل در عین حال که محصول اراده‌های انسانی و متأثر از شرایط محیطی است، در چهارچوب سنت‌های الهی و مبتنی بر قوانین قطعی حاکم بر هستی رخ داده است؛ بنابراین، عوامل غیبی مثل عوامل ملکی و بر تارک آن در شکل‌دهی به انقلاب اسلامی مؤثر بوده است. زنجیره‌ای از وقایع پشت سر هم از سال ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چگونگی وقوع انقلاب اسلامی را توصیف می‌کند.

طبعتاً شرایط اقتصادي، سیاسی، فرهنگی و تاریخی زمینه‌ساز انقلاب اسلامی متمایز از سایر انقلاب‌هast، اما در تحلیل هر انقلابی باید به تمام این عوامل و شرایط توجه داشت.

## کتابنامه

۱. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۹. حدیث پیمانه. قم: نشر معارف.
۲. توکلی، عبدالله. ۱۳۸۳. اصول و مبانی مدیریت. قم: انتشارات زمزم هدایت.
۳. جمعی از نویسندها. ۱۳۸۸. انقلاب اسلامی ایران. قم: نشر معارف. چاپ ششم. ویراست چهارم.
۴. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۲. نرم افزار حدیث ولایت (مجموعه سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای). مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور. تهران: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
۵. رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸. کندوکاوها و پنداشتها. تهران: نشر سهامی انتشار. چاپ دهم.
۶. روشه، گی. ۱۳۷۹. تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور و ثوقي. تهران: نشر نی. ویراست دوم. چاپ دهم.
۷. سیف‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری. تهران: انتشارات سمت.
۸. شفیعی‌فر، محمد. ۱۳۹۲. انقلاب اسلامی، ماهیت، زمینه‌ها و پیامدها. قم: دفتر نشر معارف. چاپ دوم.
۹. کرلينجر، فرد، ان. ۱۳۷۷. مبانی پژوهش در علوم رفتاری. جلد ۱. ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات آوای نور. چاپ دوم.
۱۰. محمدی، منوچهر. ۱۳۸۰. انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها. قم: نشر معارف.
۱۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۴. پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. ملکوتیان، مصطفی. ۱۳۹۱الف. زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی). قم: نشر معارف. چاپ دوم. بهار.
۱۳. —————. ۱۳۹۱ب. پدیده انقلاب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
۱۴. نوروزی، محمد جواد. ۱۳۹۲. انقلاب اسلامی ایران، انقلاب بازگشت بهسوی خدا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ اول.